

پیش بینی گرایش به روابط فرازنشویی از طریق باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در زنان متاهل شهر تهران

مریم صالحی ادیب ۱، نسیم السادات قدسی ۲ و ناهیده امیرناصری ۳

۱- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده رفاه تهران (نویسنده مسئول)

maryam.sallehi7@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد خوزستان

ghodsinasim@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

nahid.amirnaseri@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی از طریق باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در بین زنان متاهل شهر تهران انجام شد. روش اجرای این پژوهش توصیفی و طرح آن از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان متاهل شهر تهران در بازه زمانی سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند. برای برآورد حجم نمونه از روش تعیین حجم نمونه کلاین (۲۰۰۵) استفاده شد. بر این اساس تعداد ۲۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به سؤالات پرسشنامه‌های دلزدگی زناشویی، نگرش به خیانت (روابط فرازنشویی) و باورهای ارتباطی پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و LISREL8.80 استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که روابط فرازنشویی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنادار وجود نداشت ($P < 0/01$). همچنین از بین مؤلفه‌های باورهای ارتباطی (کمال‌گرایی جنسی، تفاوت‌های جنسیتی) با دلزدگی زناشویی رابطه معنادار نداشت ($P < 0/05$) و سایر مؤلفه‌ها (تخریب‌کنندگی مخالفت، عدم تغییر پذیری همسر و توقع ذهن خوانی) با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار داشتند ($P < 0/01$).

واژگان کلیدی: روابط فرازنشویی - دلزدگی زناشویی - باورهای ارتباطی

مقدمه

زوج، پایه گذار خانواده و خانواده رکن اصلی جامعه است؛ به همین دلیل سلامت و پویایی جامعه در گرو سلامت خانواده و زوج است و هر تهدیدی که متوجه خانواده باشد، پیامدش گریبانگیر جامعه خواهد بود (ژانگ، ۲۰۱۹). در خانواده سالم، زن و شوهر نسبت به اصول خانوادگی متعهد هستند و از احساسات زودگذر و موقت خبری نیست و روابط، عاشقانه و بر ارزشهای انسانی و برابر مبتنی است (عدل، پیرانی و شفیع آبادی، ۱۳۹۷).

بسیاری از زوجین زندگی خود را با عشق شروع می‌کنند و در این زمان هرگز به این موضوع نمی‌اندیشند که ممکن است روزی شعله عشق آنها به خاموشی گراید. ایس عنوان می‌کند که زوج‌ها کمتر به این فکر می‌کنند که ممکن است زمانی عشق افسانه‌ای آنها کمرنگ شود و این درست زمانی است که دلزدگی آغاز شده است (ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴). دلزدگی زناشویی در زوجین روندی تدریجی است و کمتر ناگهانی رخ می‌دهد که طی آن صمیمیت و عشق به تدریج کمرنگ می‌شود و به دنبال آن خستگی عمومی عارض می‌گردد و این خستگی در نتیجه درگیری‌های طولانی مدت در موقعیت‌هایی است که افراد از نظر عاطفی و احساسی مطالبات زیادی دارند (شفیعی و قمرانی، ۱۳۹۵)؛ و یک حالت خستگی و از پا افتادن جسمی و عاطفی و روانی است (پاینز، ۲۰۱۲). دلزدگی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رویایی به زندگی‌شان معنا ببخشد. این حالت زمانی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاش‌هایشان رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (پاینز، ۱۳۸۱).

الیس (۱۹۸۹) دلزدگی زناشویی را عدم احساسات عینی از خشنودی، عدم رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن و شوهر موقعی که همه جنبه‌های ازدواج را در نظر می‌گیرند، بیان می‌کنند. رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود. در واقع، دلزدگی در یک رابطه زوجی به معنای نگرش منفی و غیر لذت‌بخش است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند. دلزدگی زناشویی به علت مجموعه‌ای از توقعات غیرواقعی گرایانه و تفکرات غیرمنطقی و فراز و نشیب‌های زندگی بروز می‌کند. دلزدگی به دلیل وجود اشکال در یک یا هر دو نفر نیست. در شدیدترین نوع، دلزدگی با فروپاشی رابطه همراه است (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر دلزدگی زناشویی کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی، بی‌تفاوتی زوجین به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه است. در یک ازدواج سرخورده یکی یا هر دوی زوجین ضمن تجربه احساس گسستگی از همسر و کاهش علائق و ارتباطات متقابل، نگرانی‌های قابل توجهی در خصوص تخریب فزاینده رابطه و پیشروی به سمت جدایی و طلاق دارند (آی دوغان و کیزیل داغ، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، زوج‌هایی که در رابطه خود فاقد دلزدگی هستند از سلامت روان بالاتر و خرسندی بیشتری برخوردار هستند (جووا و بهاتی، ۲۰۰۶).

دلزدگی زناشویی با ابعاد مختلف سلامت در ارتباط است. در بعد جسمانی با پایین بودن سلامت عمومی، ضعیف بودن سیستم ایمنی بدن و برانگیختگی‌های قلبی - عروقی همراه است. دلزدگی زناشویی به عوامل بسیاری مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و تعارض‌های زناشویی مرتبط است. در این بین تعارض‌های زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و زمانی که تعارض روی می‌دهد روابط ضعیف‌تر یا قوی‌تر می‌شود. معمولاً تعارض به‌عنوان عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری در رفتار، نظرات و اهداف در جهت مخالفت با دیگری، تعریف می‌شود (اماتو و کیث، ۱۹۹۱) و از دیگر پیامدهای دیگر دلزدگی زناشویی افسردگی و اضطراب، گرایش به رفتارهای آسیب‌زا، استرس، تعارض کار خانواده و پیامدهای منفی برای فرزندان را می‌توان نام برد (خدادادی سنگده، حاجی زاده، آموستی و رضایی، ۱۳۹۵).

از عواملی که سلامت خانواده را با چالش مواجه می‌کند، با عنوان روابط فرزندناشویی بحث می‌شود که مهم‌ترین عامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و ادامه رابطه زناشویی است. وقتی همسران نیازهای عاطفی برطرف نشده زیادی دارند و برای مدتی بنا به دلایل مختلف از هم دور می‌مانند، امکان حضور فردی دیگر که این نیازها را ارضا کند بیشتر می‌شود. آنچه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند،

احساس فرد نسبت به شخصی است که نیازهای عاطفی‌اش را برطرف می‌کند، یعنی ممکن است عاشق او شود و همین احساس عشق، رفتار و عکس‌العمل‌های او را از اختیارش خارج کند (فاطمی اصل، گودرزی، کریمی ثانی و بوستانی پور، ۱۳۹۷). روابط فرازنشویی از دید درمانگران بیشتر بر مفهوم بی‌وفایی، تنوع‌طلبی جنسی یا خیانت تأکید دارد. بی‌وفایی کلیه رفتارها و عملکردهای یک فرد متأهل با جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده است. به‌نحوی که به ارتباط دوستانه، صمیمانه، عاطفی و عاشقانه منجر شود. به صورتی که این ارتباط هیجان‌های خاصی نظیر آشفتگی عاطفی، خلقی و رفتاری و احساس نارضایتی را برای همسر اقدام‌کننده داشته باشد (مامی و صفر نیا، ۱۳۹۷). موضوع فرازنشویی می‌تواند یکی از دلایل عمده طلاق و ازهم‌پاشیدگی زندگی زنشویی گردد (کالب هریس، ۲۰۱۸؛ موهلاتلول، سیتپول و شیریندی، ۲۰۱۸). یکی از مشکلات روان‌شناختی که زوجین در روابط فرازنشویی با آن روبرو می‌شوند، احساس تنهایی است. احساس تنهایی ممکن است توسط هر شخصی در هر مقطعی از زندگی تجربه شود و به عبارتی یک حقیقت اساسی زندگی بشری است که محدود به مرزهای سنی، جنسی، نژادی، اقتصادی یا جسمی خاص نیست. آمارها حاکی از آن است که از هر چهار نفر در جهان، یک نفر از احساس تنهایی رنج می‌برد. درباره علل و زمینه‌ها، بر اساس نتایج تحقیقات انجام‌شده، به دلیل حل نشدن تعارضات خانوادگی در حوزه‌های مختلف و عدم شناخت ماهیت مشکلات زنشویی و درک دوطرفه بین زوجین، تجربه شکست عاطفی و عملکرد جنسی زوجین (قاسمی، رنجبر سودجانی و شریفی، ۱۳۹۶) و عوامل پیش‌بینی‌کننده قبل از ازدواج، از جمله سابقه روابط جنسی رضایت‌بخش قبل از ازدواج و تجربه شکست عاطفی در زندگی مشترک (شریل، کینگزبرگ، استنلی آلتوف، جیمز، سیمون و همکاران، ۲۰۱۷) جزو علل و زمینه‌های گرایش به روابط فرازنشویی مطرح شده است. دلزدگی زنشویی یکی از آشفتگی‌های روان‌شناختی است که به تدریج علاقه بین زوجین را کمرنگ و گاهی به طور کامل از بین می‌برد و بستر مشکلات روانی، سردی رابطه، طلاق عاطفی و رسمی را فراهم می‌کند (پاینز، نیل، هامر و آیسکسون، ۲۰۱۱). کیانفرد و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که جمع‌شدن فرسودگی، آرمان‌زدایی و تنش‌های زندگی هر فردی باعث فرسودگی روانی می‌شود و سرانجام به دلزدگی منجر می‌شود. الگوهای متنوعی برای توضیح پدیده دلزدگی رشد کرده‌اند، الگوهای مسلاخ، چرنیس، ادویچ و روان‌تحلیلیگری - وجودی‌پاینز، سهم قابل توجهی برای توضیح این پدیده داشته‌اند. بر اساس الگوی روان‌تحلیلیگری - وجودی‌پاینز که مبتنی بر دیدگاه فرانکل درباره بودن و جستجوی معنی است، دلزدگی زنشویی به عنوان علائم خستگی جسمی، عاطفی و روانی در نتیجه احساس دائمی تنیدگی، ناامیدی و به تله افتادن با از دست دادن اشتیاق، انرژی، آرمان‌گرایی و چشم‌انداز و هدف تعریف می‌شود (کاپری، ۲۰۱۳).

باور و نگرش هر فرد به ارتباط و شیوه باهم بودن می‌تواند با پدیده دلزدگی زنشویی ارتباط داشته باشد (ادیب‌راد و ادیب‌راد، ۱۳۸۴). بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان از جمله ایس (۱۹۸۴) و برنز (۱۹۸۴)، به نقل از اپستین، (۱۹۸۶) علت اصلی تعارض‌های زنشویی را در باورهای غیرمنطقی می‌جویند؛ زیرا به نظر ایس (۱۹۸۴) باورهای غیرمنطقی باورهایی اغراق‌آمیز، انعطاف‌ناپذیر، مطلق‌گرا و غیرواقعی هستند که بر الزام، اجبار، جزم‌اندیشی و اجحاف تأکید دارد و مانع سلامت فکر و روان و سالم‌سازی محیط فردی و اجتماعی می‌شوند. طبق تعریف ایدلسون و اپستین (۱۹۸۲) منظور از باورهای ارتباطی، دیدگاهی است که زوجین نسبت به رابطه زنشویی خود دارند و آن را به عنوان حقیقت پذیرفته‌اند و منظور از باور ارتباطی غیرمنطقی آن دسته از تفکراتی است که مختص رابطه زنشویی است و در اثر استفاده افراطی ایجاد مشکل می‌کند. ایدلسون و اپستین با توسعه ارزیابی باورهای غیرمنطقی، پنج باور ارتباطی غیرمنطقی شامل باور تخریب‌کنندگی، مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی، باور مربوط به تفاوت‌های جنسیتی را که در روابط زنشویی سهیم هستند، مشخص کردند. باور تخریب‌کنندگی مخالفت: به معنی نپذیرفتن، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظر است. توقع ذهن‌خوانی: انتظار این که بدون نیاز به گفتن و اظهار کردن، فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند. باور به عدم تغییرپذیری همسر: اعتقاد به نداشتن توانایی همسر در تغییر رفتارها و تکرار شدن آن رفتارها در آینده است. کمال‌گرایی جنسی: انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی تام و تمام در همه موقعیت‌ها بدون توجه به وضعیت او. باور مربوط به تفاوت‌های جنسیتی: نداشتن درک صحیح از تفاوت‌های

شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد به صورت انتظار یکسان داشتن، یا تفاوت‌های مادرزادی را علت اختلاف دانستن می‌باشد (حیدری، مظاهری، ادیب راد، ۱۳۸۱). فرد واجد تفکر غیرمنطقی حکم‌های از پیش تعیین شده داشته و حالات آشفتگی از قبیل افسردگی، اضطراب دارد. مطالعات متعددی بر اهمیت باورهای ارتباطی در زندگی زناشویی تأکید دارد. جکسون، گراو و بیچامپ (۲۰۱۰) نقش رابطه منطقی بین زوجین را به منظور جلوگیری از وقوع پدیده دلزدگی زناشویی مهم می‌دانند و عدم توانایی در برقراری ارتباط منطقی با همسر را شایع‌ترین مشکلی می‌دانند که زوجین ناراضی مطرح می‌کنند.

محمد شریفی و اسدی (۱۳۹۳) از پژوهش خود در بین زنان شهرستان سقز نتیجه گرفتند که یکی از علت‌های طلاق، باورهای ارتباطی ناکارآمد و تحریف شناختی، انتظارات و توقعات غیرمنطقی زوجین در رابطه زناشویی است. در تحقیقی دیگر بابایی گرمخانی، مدنی و لواسانی (۱۳۹۳) از پژوهش خود نتیجه‌گیری نمودند که معیار ارتباطی غیرواقعی و باورهای ارتباطی به‌طور معناداری توانستند دلزدگی زناشویی را در زنان پژوهش پیش‌بینی کنند.

نتایج پژوهش علوی مقدم و همکاران (۱۴۰۰) تحت عنوان اثربخشی زوج درمانی راه حل مدار بر دلزدگی، بخشش زناشویی و سبک‌های ارتباطی زوجین آسیب دیده از روابط فرازناشویی نتایج نشان داد که آموزش تکنیک راه حل محور بر بخشش و دلزدگی زناشویی تاثیر داشت. زوج درمانی راه حل مدار بر اهداف برجسته، قابل دسترسی، ملموس و قابل اندازه‌گیری تمرکز دارد و بر دلزدگی، بخشش زناشویی و سبک‌های ارتباطی زوجین آسیب دیده از روابط فرازناشویی، موثر است.

در پژوهش زارع دینی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان بررسی رابطه بین احساس تنهایی با دلزدگی زناشویی زنان ناباور، نتایج پژوهش نشان داد که بین نمره کل احساس تنهایی با دلزدگی زناشویی در افراد نمونه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. رابطه بین مولفه فقدان روابط صمیمانه با دلزدگی زناشویی و بین مولفه فقدان شبکه اجتماعی با دلزدگی زناشویی معنی داری بود.

علاوه بر این در پژوهشی که تحت عنوان مقایسه باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک، توسط خدابخشی کولایی، ادیب راد و صالح صدق پور (۱۳۸۷) انجام شد نتایج نشان داد که باورهای ارتباطی بین دو گروه زنان متقاضی طلاق و زنانی که مایل به ادامه زندگی مشترک بودند تفاوت معناداری وجود دارد همچنین بین دلزدگی زناشویی دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر زنان خواهان طلاق افکار غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی بیشتری از زنان مایل به ادامه زندگی مشترک داشتند.

جکسون، گراو و بیچامپ (۲۰۱۰) نقش رابطه منطقی بین زوجین را به‌منظور جلوگیری از وقوع پدیده دلزدگی زناشویی مهم می‌دانند و عدم توانایی در برقراری ارتباط منطقی با همسر را شایع‌ترین مشکلی می‌دانند که زوجین ناراضی مطرح می‌کنند. از طرفی دیگر آدیس و برنارد (۲۰۰۲) طی پژوهشی بر اهمیت عقاید و باورهای غیرمنطقی و نادرست در نابسامانی‌های زناشویی تأکید کردند.

شیخ هارونی، خان‌آبادی و شمسیان (۱۳۹۵) در تحقیق خود با موضوع بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه پیام نور شهرکرد دریافتند که بین باورهای غیرمنطقی و دلزدگی دانشجویان متأهل رابطه وجود دارد. علاوه بر این اپستین، پریترز و فلمینگ (۱۹۸۷) به این نتیجه رسیدند که بخش وسیعی از روابط آشفته بین زوجین به‌وسیله باورهای زناشویی ناکارآمد تبیین می‌شود.

لذا با توصیف متغیرهای اصلی تحقیق، هدف از این پژوهش پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی از طریق باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل شهر تهران است.

روش پژوهش

روش اجرای روش اجرای این پژوهش توصیفی و طرح آن از نوع طرح‌های همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه زنان متأهل شهر تهران در بازه زمانی سال ۱۴۰۰ می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از روش تعیین حجم نمونه کلاین (۲۰۰۵) استفاده شد. بر این اساس تعداد ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پس از ارائه توضیحاتی در مورد پرسشنامه‌های

پژوهش برای آزمودنی‌ها، به سؤالات پرسشنامه‌ها پاسخ دادند و به آنها توضیح داده شد که از این اطلاعات استفاده پژوهشی خواهد شد و اطلاعات به صورت گروهی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. پس از بازبینی پرسشنامه‌هایی که به‌طور کامل پاسخ داده نشده بودند حذف و درنهایت پرسشنامه ۲۵۰ نفر با میانگین سنی ۳۲/۸۵ سال و انحراف معیار ۹/۹۰ که به‌طور کامل و قابل قبول به ابزارهای پژوهش پاسخ داده بودند، وارد تحلیل شدند. میانگین و انحراف معیار طول مدت ازدواج گروه نمونه به ترتیب ۱۱/۱۴ و ۹/۵۲ سال بود. برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و LISREL 8.80 استفاده شد.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد.

۱) مقیاس دلزدگی زناشویی: این ابزار توسط پاینز (۱۹۹۹) طراحی شده است. ابزار دلزدگی زناشویی ۲۱ ماده دارد که نشان‌دهنده نشانگان جسمی، عاطفی و روانشناختی دلزدگی است که ۱۷ ماده آن شامل عبارات منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن و ۴ ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پرانرژی بودن است که سه مؤلفه از پا افتادگی جسمی (خستگی، سستی و اختلال خواب)، از پا افتادگی عاطفی (افسردگی، ناامیدی و در دام افتادن) و از پا افتادگی روانی (بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم نسبت به همسر) را می‌سنجد. نمره‌گذاری این مقیاس در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) است که آزمودنی تعداد دفعات رخ داده موارد مطرح شده در رابطه زناشویی خود را مشخص می‌سازد. نمره‌گذاری ۴ ماده نیز به‌صورت معکوس انجام می‌شود و نمره بالاتر آزمودنی در این مقیاس نشانه دلزدگی بیشتر می‌باشد. ارزیابی اعتبار این ابزار نشان داد که همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۶ و ۰/۹۰ است. روایی این ابزار به‌وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند کیفیت مکالمه، احساس امنیت، احساس هدفمندی، جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها به ثبت رسیده است (پاینز، ۲۰۰۳؛ به نقل از اسدی و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش ادیب راد و ادیب راد (۱۳۸۶) نیز ضریب اطمینان آزمون - باز آزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه، ۰/۷۹ برای یک دوره دوماهه و ۰/۹۶ برای یک دوره ۴ ماهه به دست آمد. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۷ محاسبه شد.

۲) مقیاس نگرش به خیانت (روابط فرازناشویی) ATIS: که توسط مارک واتلی (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۱۲ گویه است که در مقیاس لیکرت صورت‌بندی شده است. نمره‌گذاری از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) تنظیم شده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه عبدالله زاده (۲۰۱۰) تأیید شده است. یافته پژوهش واتلی (۲۰۰۶) حاکی از اعتبار مطلوب این نگرش سنج است، به‌طوری‌که آلفای کرونباخ حاصل از ضریب همسانی درونی ۸۰ درصد سنجیده شده است. برای تعیین پایانی این مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب باز آزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی ۷۱ درصد برآورده شده است. ضریب باز آزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۸۷ درصد سنجیده شده است.

۳) سیاهه باورهای ارتباطی: این سیاهه توسط ایدلسون و اپشتین (۱۹۸۲) تهیه شده و شامل ۴۰ سؤال و ۵ خرده مقیاس است و هر سؤال در طیف لیکرت به‌صورت ۶ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. ۵ خرده مقیاس این سیاهه شامل ۱. باور مخرب بودن مخالفت ۲. باور عدم تغییرپذیری همسر ۳. توقع ذهن‌خوانی ۴. کمال‌گرایی جنسی ۵. باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی می‌شود. ایدلسون و اپشتین (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها را در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. نسخه فارسی این سیاهه توسط مظاهری و پور اعتماد (۱۳۸۰) به نقل از عبدالمحمدی (۱۳۸۵) با استفاده از ترجمه و ترجمه مجدد به فارسی برگردانده، مورد استفاده قرار دادند و ضریب آلفای کرونباخ کل آن را ۰/۷۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی و باور مربوط به تفاوت‌های جنسی به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۶ محاسبه شد.

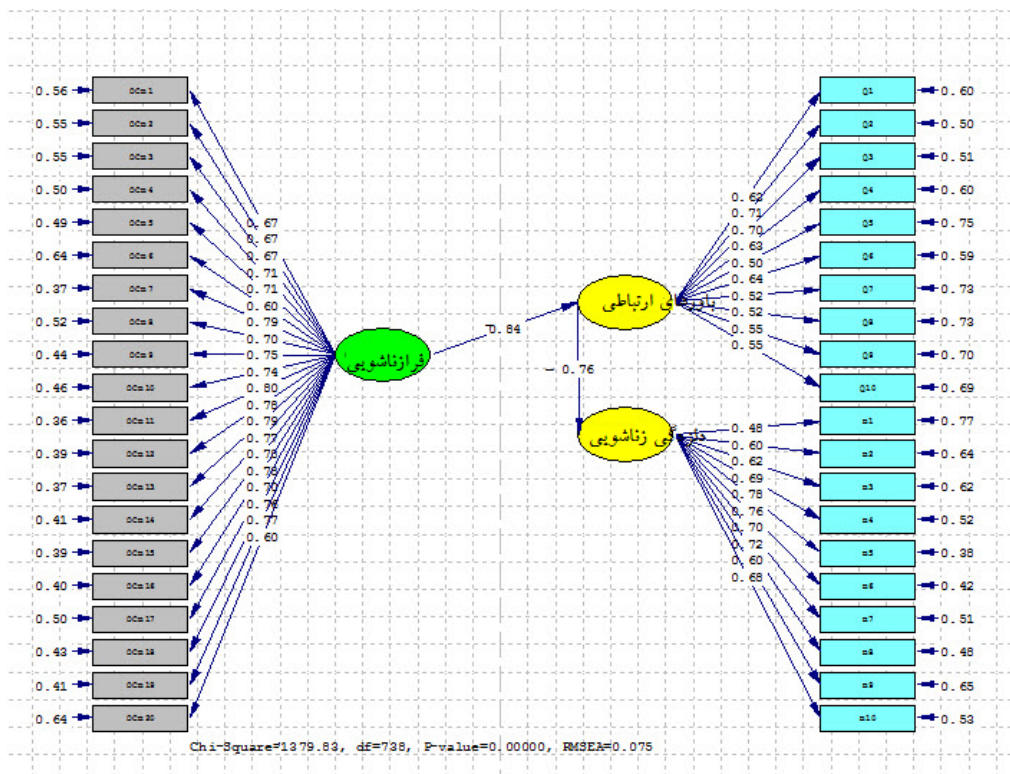
یافته ها

در بخش نخست به یافته‌های آمار توصیفی و سپس به نتایج حاصل از تحلیل آمار استنباطی پرداخته می‌شود. در این بخش به منظور استخراج ویژگی‌های توصیفی شرکت‌کنندگان از شاخص‌های آمار توصیفی از قبیل شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است. با توجه به نتایج این جدول به نظر می‌رسد تفاوت محسوسی بین میانگین نمرات زنان در متغیرهای مورد پژوهش وجود ندارد. فقط کمی اختلاف در بین بحث شاغل بودن و خانه‌دار زنان متاهل وجود داشته است پس از بررسی شاخص‌های آمار توصیفی، به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته شد. یافته‌های این پژوهش در سه بخش اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها، یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه به شرح زیر ارائه شده است: در این پژوهش ۲۵۰ نفر از زنان متاهل شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند که ویژگی جمعیت شناختی آن‌ها به شرح ذیل است: ۶۰ درصد جمعیت خانه دار و ۴۰ درصد شاغل، ۲۰ درصد دیپلم و پایین‌تر، ۳۰ درصد تحصیلات فوق دیپلم، ۴۰ درصد کارشناسی و مابقی بالاتر از کارشناسی ارشد می‌باشند و بیشترین بازه سنی بین ۳۰ تا ۳۵ سال با ۴۷ درصد است. در بخش آمار استنباطی در ابتدا به بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش پرداخته شد. به این منظور از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

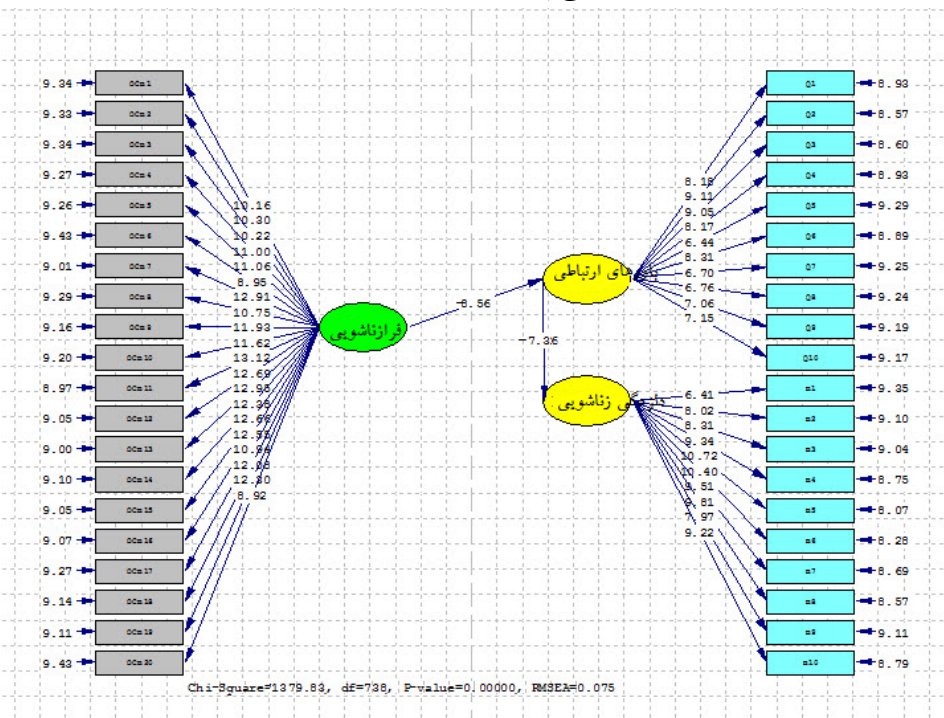
شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| کل | | خانه دار | | شاغل بودن | | زن | | متغیرها | |
|--------------|---------|--------------|---------|--------------|---------|--------------|---------|---------------------|--------------------|
| انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | | |
| ۰/۷۵ | ۲/۴۱ | ۱/۰۷ | ۰/۴۵ | ۲/۰۸ | ۲/۰۸ | ۰/۷۰ | ۲/۳۷ | تخریب‌کنندگی مخالفت | باورهای ارتباطی |
| ۰/۶۰ | ۲/۶۱ | ۲/۳۲ | ۰/۴۱ | ۲/۵۵ | ۲/۵۵ | ۰/۶۵ | ۲/۶۵ | توقع ذهن خوانی | |
| ۰/۵۵ | ۱/۸۱ | ۱/۴۰ | ۰/۵۳ | ۱/۸۱ | ۱/۸۱ | ۰/۵۵ | ۱/۸۵ | عدم تغییرپذیری همسر | |
| ۰/۵۶ | ۲/۴۱ | ۱/۲۰ | ۰/۴۵ | ۰/۵۸ | ۲/۴۵ | ۰/۵۲ | ۱/۴۲ | کمال‌گرایی جنسی | |
| ۰/۵۱ | ۲/۵۷ | ۱/۱۲ | ۰/۳۲ | ۰/۵۶ | ۲/۵۸ | ۰/۴۵ | ۱/۵۲ | تفاوت‌های جنسیتی | |
| ۱۱/۱۸ | ۶۱/۶۳ | ۰/۴۵ | ۰/۵۲ | ۱۰/۵۰ | ۵۲/۵۸ | ۹/۸۵ | ۶۵/۲۳ | روابط فرازنشویی | |
| ۰/۶۳ | ۱/۸۱ | ۰/۹۲ | ۰/۵۲ | ۰/۶۵ | ۱/۷۴ | ۰/۶۵ | ۱/۳۵ | دلزدگی زناشویی | |

با توجه به جدول شماره ۲، بین روابط فرازنشویی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنادار وجود نداشت ($p < 0/01$). همچنین از بین مؤلفه‌های باورهای ارتباطی (کمال‌گرایی جنسی، تفاوت‌های جنسیتی) با دلزدگی زناشویی رابطه معنادار نداشت ($p < 0/05$) و سایر مؤلفه‌ها (تخریب‌کنندگی مخالفت، عدم تغییرپذیری همسر و توقع ذهن خوانی) با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار داشتند ($p < 0/01$).



مدل نهایی پژوهش در حالت استاندارد



مدل نهایی پژوهش در حالت معناداری

در ادامه نتایج مدل آزمون شده نیز آورده شده است.

جدول ۲: نتایج مدل آزمون شده

| مسیرها | اثر مستقیم | واریانس تبیین شده |
|------------------|--------------|-------------------|
| دلزدگی زناشویی | | ۰/۹۱- |
| روابط فرازناشویی | ۰/۸۴*(۱/۹۹۱) | |
| باورهای ارتباطی | ۰/۷۶*(۳/۱۳۹) | |

ارزیابی تناسب مدل

بعد از مدل سازی و تخمین پارامترهای آن، اولین سوال اساسی که مطرح می شود این است که آیا مدل اندازه گیری، مدل اندازه گیری مناسبی می باشد یا خیر. پاسخ به این سوال تنها از طریق بررسی برازش امکان پذیر است. منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده های مربوطه سازگاری و توافق دارد. وقتی یک مدل دقیقاً مشخص می شود و دارای ویژگی های همانندی باشد، و برآورد و آزمون آن امکان پذیر گردد، در این صورت برای ارزیابی برازندگی آن شاخص های زیادی وجود دارد که مهمترین آنها در جدول زیر آورده می شود:

شاخص های نیکویی برازش مدل

| شاخص برآزش | معیار مقبولیت | آماره مدل فرضیات |
|--------------------|---------------|------------------|
| RMSEA ^۱ | RMSEA<0.08 | 0.073 |
| NFI ^۲ | NFI>0.90 | 0.94 |
| NNFI | NNFI>0.90 | 0.90 |
| IFI | IFI>0.90 | 0.92 |
| CFI ^۳ | CFI>0.95 | 0.98 |
| GFI ^۴ | GFI>0.90 | 0.93 |
| AGFI ^۵ | AGFI>0.85 | 0.88 |
| RMR | RMR<0.75 | 0.058 |

متداول ترین شاخص هایی که در اکثر تحقیقات گزارش می شوند در جدول بالا آمده است. اگر یکی از این شاخص ها قابل قبول نباشد دلیلی بر رد مدل نیست بلکه نشان دهنده ضعف نسبی مدل می باشد که این ضعف ممکن است ناشی از نمونه گیری، جمعیت نمونه یا عوامل دیگر باشد. شاخص های ارائه شده و مقایسه آن با مقدار مطلوب برای یک مدل برازش یافته، نشان از برازش مناسب مدل تحقیق دارد. نکته قابل توجه در برازش مدل این است که، در حالی که برازش مدل ساختاری آن مدل را تایید می کند، هرگز ثابت نمی کند که آن مدل، یگانه مدل معتبر است.

¹Root Mean Squarerror of Approximation

²Normed Fit Index

³Comparative Fit Index

⁴Goodness of Fit Index

⁵Adjusted Goodness of Fit Index

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی از طریق باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در بین زنان متاهل شهر تهران انجام شد. در این راستا نتایج بیانگر این بود که بین باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت وجود دارد و میان دلزدگی زناشویی با روابط فرازنشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که باورهای ارتباطی نقش بسیار مهمی در وقوع پدیده دلزدگی زناشویی دارد. باورهای غیرمنطقی درباره موقعیت‌های منفی به عواطف، تعارضات و تعاملات منفی منجر می‌شود و می‌تواند با ایجاد مزاحمت در ابراز عشق به دلزدگی منجر شود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که باور عدم تغییرپذیری همسر، باور تخریب‌کنندگی مخالفت، کمال‌گرایی جنسی و باور مربوط به تفاوت‌های جنسیتی با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت دارند. همبستگی مثبت بین باور عدم تغییرپذیری همسر و دلزدگی زناشویی نشان می‌دهد که اکثر افراد بدون داشتن اطلاعات علمی کافی در خصوص رفتار آدمی و تحول شخصیت این باور را با خود حمل می‌کنند که ویژگی‌های رفتاری ژنتیکی و پایدار است و فرد همین است که هست. نکته مهم در اینجا حضور این باور خاص است که در شرایط ناراضی‌تمندی زناشویی، این مشکلات همسر است که ایجاد ناراضی‌تمندی نموده و او باید تغییر کند ولی متأسفانه اگر بخواهد هم نمی‌تواند. در واقع هیچ‌یک از همسران به این نکته توجه نمی‌کنند که هر دو باید تغییر کنند؛ بنابراین افرادی که این باور را دارند امیدی به تغییر همسر ندارند و همین مسئله منجر به وقوع دلزدگی زناشویی می‌شود.

یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های بشرپور و همکاران (۱۳۹۴) که نشان داد باورهای ارتباطی می‌توانند دلزدگی را پیش‌بینی کنند و همچنین نتیجه پژوهش بختیارپور و عامری (۱۳۸۹) که نشان داد بین باورهای غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، همسو می‌باشد.

زنانی که در خارج از خانه، مشاغل سخت و درازمدت را تجربه می‌کنند، در ایفای نقش‌های خانگی احساس خستگی و بی‌حوصلگی بیشتری نسبت به زنان خانه دار دارند که این مسئله زنان شاغل را بیش از پیش دچار مشکلات روحی می‌سازد؛ به عبارت دیگر ایفای نقش شغلی دیگر، نقش‌های زنان را کم‌رنگ نمی‌سازد؛ بلکه زنان اغلب ناگزیرند آن کارها را نیز انجام دهند. در ضمن زنان شاغل، وظیفه مادری را نیز برای انجام کارهای خانه فراموش نمی‌کنند. به بیان دیگر، زنان شاغل طی روز مانند همسرانشان در نقش شغلی خود ظاهر می‌شوند، اما وقتی به خانه می‌رسند از آنها انتظار ایفای نقش همسری، خانه داری و مادری می‌رود که انجام دادن این نقش‌ها نیز توان دیگری را می‌طلبد، در حالی که هیچ‌گاه نقش شغلی مردان رویارو با نقش‌های دیگرشان نیست که بر آنها پیشی داشته باشد و این اصلی پذیرفته شده است؛ بنابراین زنان میان انتظارات نقش‌های سنتی و مدرن، سرگردان می‌مانند که این به پیدایش و افزایش احساس ناراضی‌تمنی می‌انجامد.

رفتار و عواطف انسان ناشی از باورها، اعتقادات و طرز فکر اوست. باورها شناخت‌ها و اسطوره‌هایی هستند که در اذهان افراد از جمله زوجها وجود دارد و در نحوه ارتباط آن‌ها تأثیر می‌گذارد. باور عقیده‌ای است که شخص درستی آن را پذیرفته است، بدون این که به آزمایش عملی یا انتقادی مبتنی باشد. بر اساس اعتقاد ایس به احتمال قوی برخی زوجین تحت تأثیر باورهای غیرمنطقی، دچار گرایشات خاص در رفتار و اعمال خود می‌شوند و این برداشت‌ها موجبات ناراضی‌تمنی آنان را در زندگی فراهم می‌آورد و به دنبال مجموعه‌ای از این توقعات و تفکرات غیرواقع‌گرایانه و فراز و نشیب‌های زندگی، دلزدگی زناشویی بروز پیدا می‌کند؛ و آشفتگی روابط یک زوج به طور مستقیم به رفتارهای طرف دیگر با شکست‌های سخت زندگی مربوط نمی‌شود، بلکه بیشتر به دلیل باور و عقیده‌ای است که این زوج در مورد چنین رفتارها و شکست‌هایی دارند و این تفکر و باور است که به‌طور گسترده‌ای به خشم و ارتباطات آشفته زوج منجر می‌شود. تفکر، احساس و رفتار کاملاً در تعامل با یکدیگر هستند و هر یک نسبت به دو فرآیند دیگر پیوسته در حال تأثیرگذاری است. باورهای ارتباطی از عواملی است که می‌تواند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کند و موجب عدم درک درست پیام فرستاده‌شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود. هنگام بحث و گفتگو، زوج‌های آشفته بیشتر عجله و انتقاد

می‌کنند و می‌خواهند یکدیگر را تغییر دهند. همچنین مدام به هم گوش نمی‌دهند و از بحث در مورد مشکلات طفره می‌روند. از شایع‌ترین مشکلات زوج‌های ناراضی، عدم موفقیت در برقراری رابطه منطقی است که در نهایت به دلزدگی زناشویی می‌انجامد. از زیر مؤلفه‌های باورهای ارتباطی، باور تخریب‌کنندگی مخالفت می‌باشد که ارتباط آن با دلزدگی زناشویی زوجین مشخص گردیده است که به معنای عدم پذیرش، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظرهاست. برای تبیین این موضوع می‌توان گفت فرد تحمل کمی برای پذیرش تفاوت‌ها و اختلاف نظرها را دارد و از آنجایی که اختلاف و تفاوت جزء لاینفک روابط با همسر است. لذا به احتمال زیاد همسر این تفاوت‌ها را قبول نمی‌کند و از رابطه ناراضی و دلزده می‌شود.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که میان دلزدگی زناشویی با روابط فرازناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع افزایش دلزدگی زناشویی قادر است روابط فرازناشویی را پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پوکورسکا و همکاران (۲۰۱۳)، فونگ و همکاران (۲۰۰۹) و رمضانیان (۲۰۱۶) همسو است.

رمضانیان (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان رابطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی و نگرش به خیانت زناشویی در دانشجویان متأهل به این نتیجه رسید که بین ابعاد عضویت در شبکه‌های اجتماعی با ابعاد دلزدگی رابطه مثبت و معنادار و بین نگرش به خیانت با ابعاد دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

وقتی زن و شوهر از عشق و شیفتگی فاصله می‌گیرند، هر حادثه دل‌سرد کننده‌ای برای توجیه برچسب زدن منفی به همسرشان کافی به نظر می‌رسد. شوهر در این شرایط حتی اگر یک بار حساسیت نشان نداد، یک فرد بی‌احساس تلقی می‌شود. اگر زن ولو یک بار انتظار محبت شوهر را برآورده نکند، نامهربان می‌شود. بنابراین همین عوامل می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در افزایش روابط فرازناشویی داشته باشد (فونگ و همکاران، ۲۰۰۹).

پیشنهادات پژوهشی

پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بین مردان متأهل نیز صورت گیرد و نتایج آن با نتایج پژوهش در بین زنان مقایسه شود. پیشنهاد می‌شود که در شهرهای دیگر که فرهنگ متفاوت تری دارند نیز پژوهش مشابه انجام شود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی زوجین به طور همزمان انجام شود. در این پژوهش از روش کمی استفاده شد، پیشنهاد می‌شود از روش‌های کیفی همانند مصاحبه نیز بهره برده شود.

منابع

- ادیب راد، نسترن و ادیب راد، مجتبی. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۴ (۱۳). ۹۹-۱۱۰.
- اسدی، عدالت؛ منصور، الدن؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ فتح‌آبادی، جلیل. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، باورهای بد کارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان دارای همسر مبتلا به دیابت و مقایسه آن با زنان دارای همسر غیر مبتلا. فصلنامه خانواده پژوهی، ۹ (۳۵) ۳۲۴-۳۱۱.
- بابایی گرمخانی، محسن؛ مدنی، یاسر و لواسانی، مسعود. (۱۳۹۳). بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق، دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۴ (۱)، ۶۷-۸۴.
- بختیارپور، سعید و عامری، زینب. (۱۳۸۹). رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیرمنطقی با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل شهر اهواز. فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی، ۴ (۱۰) ۵۳-۷۰.

برنشتاین، فیلیپ، اچ و برنشتاین، ماری تی. (۱۳۸۰). روش‌های درمانی مشکلات زناشویی، ترجمه حسن تونزده جانی، نسرین کمال پور، مشهد نشر مردنیز.

بشرپور، سجاد؛ محمدی، نسیم؛ صادقی، زلیخا. (۱۳۹۴). نقش کنترل هیجان و باورهای ارتباطی در پیش‌بینی دزدگی زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۵(۱۷): ۵۲-۶۴.

پاینز، آیالا. مالاچ. (۱۳۸۴). دزدگی از روابط زناشویی، ترجمه کامران افشار و سید حبیب گوهری راد، تهران: انتشارات رادمهر.

حیدری، محمود؛ مظاهری، محمدعلی و ادیب راد، نسترن. (۱۳۸۱). مطالعه مقدماتی نقش آموزش مهارت‌های شناختی زندگی‌زناشویی در تغییر باورهای دانشجویان. مجله روانشناسی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۳۲۴ تا ۳۳۵.

خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ ادیب راد، نسترن و صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۸۷). مقایسه باورهای ارتباطی و دزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک، مجله روانپزشکی ایران، ۵(۱): ۳۵-۳۹.

خدادادی سنگده، جواد؛ حاجی‌زاده، طاهره؛ آموستی، فروغ و رضایی، محسن. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دزدگی زناشویی بر اساس سلامت عمومی و صمیمیت زناشویی در پرستاران. مجله مراقبت‌های پیشگیرانه در پرستاری و مامایی، ۶(۲): ۴۵-۵۳.

زارع دینی، سمانه؛ جعفری، علیرضا و قمری، محمد. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین احساس تنهایی با دزدگی زناشویی زنان ناباور، سومین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش.

شفیعی، زهرا و قمرانی، امیر. (۱۳۹۵). نقش شخصیت تاریک و شکفتگی در دزدگی زناشویی زوجین. فصلنامه زن و جامعه، ۸(۱): ۷۷-۹۵.

شیخ هارونی، مریم؛ خان‌آبادی، مهدی و شمسین، محمد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی و دزدگی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه پیام نور شهرکرد، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایش گران مهر اشراق.

عبدالحمیدی، کبری. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان مراجعه‌کننده به دادگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

عدل، حدیث‌السادات؛ پیرانی، ذبیح؛ شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۷). اثربخشی روان‌درمانی گروهی مبتنی بر کیفیت زندگی بر تعهد زناشویی در زنان ناباور. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. شماره ۴۵، (۱۳): ۹۷-۱۱۵.

علوی مقدم، ترانه؛ مفاخری، عبدالله و جهانگیری، علی. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج‌درمانی راه‌حل مدار بر دزدگی، بخشش زناشویی، و سبک‌های ارتباطی زوجین آسیب‌دیده از روابط فرازناشویی، دوماهنامه فیض، دوره: ۲۵، شماره: ۳.

فاطمی اصل، شهریار؛ گودرزی، محمود؛ کریمی‌ثانی، پرویز و بوستانی پور، علیرضا. (۱۳۹۷). اثربخشی زوج‌درمانی تحلیل روابط محاوره‌ای بر احساس تنهایی زنان آسیب‌دیده از روابط فرازناشویی در شهرستان سلماس، مقاله پژوهشی مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره شانزدهم، شماره دهم، پی‌درپی، ۱۱۱، صص ۷۰۹-۷۱۸.

قاسمی، بهزاد؛ رنجبر سودجانی، یوسف و شریفی، کبیر. (۱۳۹۶). نقش عملکرد جنسی و تجربه شکست عاطفی در گرایش زوجین به روابط فرازناشویی، فصلنامه رویش روانشناسی، ۶(۱): ۴۵-۶۸.

مامی، شهرام و صفرنیا، افشین. (۱۳۹۷). اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی- سازه‌گرا بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق، مطالعات روانشناختی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)، دوره ۱۴، شماره ۱.

محمدشرفی، فواد و اسدی، عدالت. (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه باورهای غیرمنطقی و باورهای ارتباطی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده با زنان عادی در شهر سقز، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز.

مظاهری، محمدعلی و پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۰). مقیاس باورهای ارتباطی، چاپ نشده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

- Aydogan, D., & Kizildag, S. (2017). Examination of relational resilience with couple burnout and spousal support in families with a disabled child. *The Family Journal*, 25(4), 407-413.
- Caleb Harris, M. A. (2018). Characteristics of Emotional and Physical Marital Infidelity that Predict Divorce. Proquest Publication. London.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50 (5), 715-720.
- Fung S.C, Wong C.W, Tam S.M. (2009). Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal Of Sex & Marital Therapy*, 35(3):p,239-244.
- Jackson, B., Grove, J. R., & Beauchamp, M. R. (2010). Relational efficacy beliefs and relationship quality within coach-athlete dyads. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27 (8), 1035-1050.
- Juvva, S., & Bhatti, R. S. (2006). Epigenetic model of marital expectations. *Contemporary Family Therapy*, 28(1), 61-72.
- Mohlatlile, N. E., Sithole, S. & Shirindi, L. (2018). Factors Contributing to Divorce among Young Couples in Lebowakgomo. *Social Work Journal*. 54(2): 256-274.
- Panizi, Do La Ma Lach. (2012). What can we do to make dream love go away? Translated by Shadab, F, Tehran: Phoenix Press.
- Pokorska, J., Farrell, A., Evanschitzky, H., & Pillai, K. (2013). Relationship fading in business-to-consumer context. In S. Sezgin, E. Karaosmanoglu, & A. B. Elmadag.
- Ramezani Somayeh. (2016). The relationship between social networking and attitude towards infidelity with marital boredom in married students. Master thesis of psychology. Islamic Azad University of Marvdasht.
- Sheryl, A., Kings berg, D., Stanley Althof, P., James, A. Simon, M. D. & et al. (2017). Female Sexual Dysfunction Medical and Psychological Treatments, Committee. *Journal of Sexual Medicine*, 15(1): 1363-1391.
- Zhang, H. (2019). Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *J Affective Disorders*. 22(3):27-32.